

لغزش ها در تاریخ بارگاه سیدالشهدا (ع)

سید حسن فاطمی

ساخت بنا بر قبر مطهر در این قرن کاملاً امکان دارد، مخصوصاً پس از مرگ یزید در سال ۶۴ و باز شدن فضای سیاسی به نفع اهل بیت (ع) و قدرت گرفتن امثال مختار و نیز رو آوردن مردم جهت زیارت. کمی امکانات ایاب و ذهاب و اقامت چند روزه در کنار مزار و نیز گرمی هوا حدس وجود بنا را بیشتر تقویت می کند.

در عین حال معاصران گزارش هایی از وجود بنا در قرن اول ذکر می کنند که هیچ مستند تاریخی ندارند و نمی توان آن را واقعه ای تاریخی دانست، از جمله این ادعاها عبارتند از:

الف) بنی اسد نخستین کسانی اند که بر قبر امام (ع) سقیفه ای احداث کردند.^۱

ب) سال ۶۴ قبیله های بنی نضیر و بنی قینقاع اولین بار صندوقی برای قبر ساختند که توابین اطراف آن گرد آمدند.^۲

ج) مختار عمارتی از گچ و آجر و با نظارت محمد بن ابراهیم بن مالک اشتر ساخت و مرقد دارای دو در شرقی و غربی بود.^۳

شهادت سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (ع) در راه ستیز با ستمگران، بارگاه منور او را از اماکن عبادی و سیاسی در آورده است و در طول تاریخ، شیفتگان فراوانی را به خود جلب کرده است. ستمگران در برابر این بارگاه موضع های گونه گونی گرفته اند. اگر قدرت مقابله با مردم را داشتند به تخریب آن دست می زدند، و گرنه با دیده احترام به آن می نگریستند و حتی با کمک های مالی در خور توجه، خود را به مردم نزدیک می کردند، لذا بنای مرقد همواره دستخوش تغییر و تحول بوده است و بسیاری از تغییر و تحول ها در منابع تاریخی مضبوط است. موسوعه امام حسین (ع) در مؤسسه فرهنگی دارالحدیث قم در حال تدوین است و پرونده ای به تاریخ بارگاه حضرت سیدالشهدا (ع) اختصاص یافته است. تکمیل پرونده ناتمام آن به این جانب واگذار شد. هنگام تحقیق، متوجه پاره ای لغزش ها در ثبت تاریخ بارگاه منور - به ویژه در آثار معاصران - شدم و مناسب دانستم آنها را در این مقاله گرد آورم.

همه کتاب هایی که در خصوص بارگاه مطهر به نگارش در آمده اند، به سهم خود ابهام هایی را زوده اند و دارای ویژگی های ارزنده ای اند که نمی توان از آنها غفلت کرد و این جانب بهره های زیادی از آنها برده ام، هر چند در لابه لای مطالب سودمند، لغزش هایی یافت می شود که این نوشته در پی برطرف کردن آنهاست تا به کتاب های دیگر راه نیابند.

توجه: همه تاریخ ها در این مقاله به سال قمری است و در غیر این صورت، شمسی یا میلادی بودن آنها مشخص شده است.

بارگاه در قرن اول

نظر به این که ساختمان سازی در قرن اول بسیار آسان بوده،

۱. عبدالجواد کلیددار، تاریخ کربلا و حائر الحسین، ص ۱۵۱ (مطبعة المعارف، بغداد، ۱۳۶۸ ق).

۲. دائرة المعارف الحسينيه، ج ۱، ص ۲۴۹ (محمد صادق محمد کرباسی، تاریخ المراقده، چاپ اول، لندن، ۱۴۱۹).

۳. همان، ص ۲۵۰ و ر. ک: محمد حسن مصطفی آل کلیدر، مدنیة الحسین، سلسله ۱، ص ۲۰، پاورقی (چاپ اول، مطبعة النجاح، بغداد، ۱۳۶۷ ق)؛ عمادالدین اصفهانی، تاریخ جغرافیائی کربلای معلی، ص ۱۷۶؛ سلمان هادی آل طعمه، تاریخ مرقد الحسین و العباس، ص ۷۱ و ۸۷ (چاپ اول، مؤسسه الاعلمی، بیروت، ۱۴۱۶ ق)؛ محمد باقر مدرس، شهر حسین، ص ۱۶۰ (چاپ اول، تبریز، ۱۳۵۳ ش)؛ دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۷۴ (چاپ دوم، بنیاد شط، ۱۳۷۱)؛ محمد صحتی سردرودی، سیمای کربلا، ص ۸۰ (چاپ دوم، ۱۳۷۳).

جمعیت فراوان کنار قبر مطهر در قرن اول

در کتاب شهر حسین، صفحه ۱۶۴ و ۱۶۵ می‌خوانیم: «کامل الزیارات نقل کرده ابو حمزه [ثمالی] در آخر زمان بنی مروان از کوفه به قصد زیارت کربلا خارج گردید و از پاسبان شامی خود را پنهان می‌کرد تا آن که خود را در یک آبادی مخفی کرد. پس از نصف شب متوجه قبر حسین (ع) گردید و اتفاقاً شب عرفه بود و جمع کثیری در اطراف قبر به نماز مشغول بودند. از بس که جماعت زیاد بود، هر چه می‌خواست خود را به قبر برساند و دعا کند ممکن نمی‌شد».

خبر فوق در صفحه ۲۲۱ کامل الزیارات آمده است. مراجعه به اصل خبر نشان می‌دهد که در نقل چند اشتباه رخ داده است: ۱. این خبر مربوط به حسین پسر دختر ابو حمزه ثمالی است نه خود ابو حمزه.

۲. حضور او در شب عرفه از خبر برداشت نمی‌شود.

۳. ترجمه و متن خبر در کامل الزیارات نشان می‌دهد که زائر با ترس فراوان از حکومت وقت به زیارت رفته است، پس چگونه می‌توان باور کرد که چنین جمعیتی در جوار قبر مطهر باشد.

۴. خبر در کامل الزیارات صراحت دارد که برای زائر مکاشفه‌ای پیش آمده و کسانی که بر گرد مزار تجمع کرده بودند ملائکه بودند نه انسان.

تخریب بارگاه

متوکل عباسی چند بار بارگاه سیدالشهدا (ع) را تخریب کرد. گفته شده که اولین تخریب او در سال ۲۳۲ صورت گرفت. هنگامی که متوکل خبر شد در شعبان این سال یکی از کنیزان آواز خوانش جهت زیارت به کربلا رفته است دستور داد که بارگاه را ویران کنند.^۴ چنین نقلی از دو جهت ایراد دارد:

- در خبری که به زیارت رفتن کنیز اشاره دارد تنها ماه شعبان ذکر شده و سال آن از خبر استفاده نمی‌شود.^۵

- متوکل در ذی حجه سال ۲۳۲ به حکومت رسید،^۶ پس تخریب بارگاه در شعبان همین سال نمی‌تواند باشد، از این رو برخی تخریب اول را سال ۲۳۳ دانسته‌اند. نصی وجود ندارد که اولین تخریب در این سال بوده، بلکه از خبر کنیز که در شعبان به زیارت رفته بود، استظهار کرده‌اند در اوایل حکومت متوکل تخریب صورت گرفته و آن را مطابق با سال ۲۳۳ دانسته‌اند.^۷

به نظر می‌رسد اولین تخریب به سال ۲۳۶ باز می‌گردد که مورخان متعدد به آن تصریح کرده‌اند.^۸ نویسنده شهر حسین (ص ۲۰۶) سال ۲۳۳ را از قول ابوالفرج اصفهانی - صاحب مقاتل الطالبیین - نقل کرده که اشتباه است.

دفعات تخریب بارگاه از سوی متوکل

برخی نویسندگان نوشته‌اند متوکل چهار بار قبر مطهر را تخریب کرد.^۹ از اخبار متون کهن چنین استفاده می‌شود که متوکل تنها دو بار و نهایت سه بار مرقد را خراب کرد، زیرا در اخبار از دو نفر به نام‌های ابراهیم دیزج^{۱۰} و عمر بن فرج^{۱۱} نام برده شده که به ویرانی حرم مأمور بوده‌اند و نیز دو سال ۲۳۲۶ و ۲۳۴۷ را تاریخ این خرابی آورده‌اند. استناد تخریب در سال ۲۳۷ خبر زیر است: «... فأنفذ [المتوکل] قائداً من قواده و ضم الیه کتفاً من الجند کثیراً لیذهب قبر الحسین (ع) و يمنع الناس من زیارته و الاجتماع إلى قبره. فخرج القائد إلى الطف و عمل بما امر و ذلک فی ستة سبع و ثلاثین و مائین ...»؛^{۱۲} متوکل عدّه زیادی از لشکریان را با یکی از فرماندهان فرستاد تا قبر حسین (ع) را خراب کنند و مردم را از زیارت و اجتماع در آن جا منع کنند. فرمانده به طف رفت و طبق دستور عمل کرد و آن در سال ۲۳۷ است».

در بعضی نسخه‌ها به جای «لیذهب قبر الحسین»، «لیشعث

۴. موسوعة العتبات المقدسه، ج ۸، ص ۲۵۸ (چاپ دوم، مؤسسة الاعلمی، ۱۴۰۷ ق).

۵. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۴۷۸ (تحقیق کاظم مظفر، چاپ دوم، المطبعة الحیدریة، نجف).

۶. تاریخ طبری، ج ۷، ص ۳۳۸ (مؤسسة الاعلمی، بیروت).

۷. تاریخ کربلاء و حائر الحسین، ص ۱۹۴.

۸. تاریخ طبری، ج ۷، ص ۳۶۵؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۳۵ (تحقیق محمد محبی الدین عبدالحمید، چاپ چهارم، السعاده، مصر، ۱۳۸۵ ق)؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۳۵۵ (تحقیق علی شیر، چاپ اول، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ ق)؛ ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۱۰، ص ۳۴۷ (تحقیق علی شیر، چاپ اول، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ ق)؛ محمد بن شاکر کتبی، وفيات الاعیان، ج ۳، ص ۳۶۵ (تحقیق احسان عباس، دار صادر، بیروت، ۱۹۷۲ م)؛ ابوالفداء عمادالدین اسماعیل، المختصر فی اخبار البشر، ج ۲، ص ۳۸ (مکتبة المتنبی، قاهره)؛ قوات الوفيات، ج ۱، ص ۲۹۱ و ۲۹۲.

۹. شهر حسین، ص ۲۱۷.

۱۰. مقاتل الطالبیین، ص ۳۹۵؛ امالی شیخ طوسی، ص ۳۲۶ و ۳۲۷ (تحقیق مؤسسة البعثة، چاپ اول، دار الثقافة، قم، ۱۴۱۴ ق)؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۲۲۱ (نجف، ۱۳۷۶ ق).

۱۱. امالی شیخ طوسی، ص ۳۲۵.

۱۲. تاریخ طبری، ج ۷، ص ۳۶۵؛ البدایه و النهایه، ج ۱۰، ص ۳۴۷؛ مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۳۵؛ الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۳۱۸؛ وفيات الاعیان، ج ۳، ص ۳۶۵؛ المختصر فی اخبار البشر، ج ۲، ص ۳۸؛ قوات الوفيات، ج ۱، ص ۲۹۱.

۱۳. امالی شیخ طوسی، ص ۳۲۸.

۱۴. همان.

من قبر الحسين است. در این صورت به معنای پراکندن مردم از قبر امام (ع) خواهد بود. علامه مجلسی عبارت دوم را از نسخه های مصحح نقل کرده است.^{۱۵} بنابراین معلوم نیست متوکل در سال ۲۳۷ قبر را خراب کرده باشد.

استدلال ابوالفرج اصفهانی

گفته شده ابوالفرج اصفهانی در مقاتل الطالبیین دو استدلال آورده که تخریب اول متوکل در سال ۲۳۳ بوده است و یکی از مستندات او کتاب تسلیة المجالس است.^{۱۶}

اولاً ابوالفرج در مقاتل الطالبیین اصلاً سخن از سال تخریب به میان نیاورده است،^{۱۷} ثانیاً ابوالفرج در قرن چهارم می زیسته و محمد بن ابی طالب نویسنده تسلیة المجالس در قرن دهم حیات داشته است.

ساخت بارگاه

از کتاب منتظم ابن جوزی نقل شده که محمد بن زید علوی (م ۲۸۳) در طول سیزده سال، همه ساله اموالی را برای علوی های مستحق در جوار مرقد امام علی (ع) و امام حسین (ع) می فرستاد و با این اموال، بنای گنبد سیدالشهدا (ع) به اتمام رسید و در کنار آن مسجدی بنا گردید و دیوار حائر ساخته شد.^{۱۸} چنین مطلبی را در منتظم نیافتیم.

زیارت ابوطاهر

در مدینه الحسین (سلسله ۲، ص ۱۰۱) از کتاب منتظم ابن جوزی آمده است که ابوطاهر سلمان بن حسن جنبی - رهبر قرامطه - در سال ۳۱۳ با کوفه جنگید و پس از پیروزی به زیارت بارگاه رفت.^{۱۹} چنین مطلبی را در منتظم نیافتیم.

بنای گسترده به دست عضدالدوله

در کتاب شهر حسین (ص ۲۵۱) ذیل عنوان «بارگاه حسین (ع) و تعمیر پنجم از عضدالدوله به سال ۳۶۹» می خوانیم: «بنا به نوشته ابن اثیر تاریخ نویس معروف، که عضدالدوله در باره مکه و مدینه خدمات مهمی انجام داد و مخصوصاً آثار با عظمت او نسبت به حرم علی (ع) و در خصوص حرم مطهر سیدالشهدا طوفان کرده قبه حرم را تجدید نمود و چهار اطراف آن را ایجاد رواق نمود و در استحکام این بنا اهمیت فوق العاده به خرج داد و سپس در تزیینات قبه و رواق ها مبالغه نمود و ضریح را با چوب ساج که یک نوع چوب هندی است و پارچه های دیباج زینت داد».

ظاهر عبارت فوق این است که همه این مطالب در کامل ابن اثیر آمده است، اما در وقایع مربوط به سال ۳۶۹ چنین طوفانی از سوی عضدالدوله نیامده است. در کامل ابن اثیر (ج ۵، ص ۴۳۷) آمده است:

«فی هذه السنة شرع عضدالدولة فی عمارة بغداد و كانت قد خربت بتوالی الفتن فیها و عمر مساجدها و اسواقها و ادر الاموال علی الائمة و المؤذنین و العلماء و القراء و الغرباء و الضعفاء الذین یاوون إلی المساجد و الزم أصحاب الاملاک الخراب بعمارتها و جدد ما دثر من الانهار و أعاد حفرها و تسويتها و اطلق مکوس الحجاج و أصلح الطريق من العراق إلی مکه - شرقها الله تعالی - و أطلق الصلوات لاهل البيوتات و الشرف و الضعفاء المجاورين بمکه و المدينة و فعل مثل ذلك بمشهدی علی و الحسین - علیهما السلام - و سكن الناس من الفتن و أجرى الجرابات علی الفقهاء و المحدثين و ...».

سال زیارت عضدالدوله

از فرحة الغری نقل شده که عضدالدوله - حاکم مقتدر آل بویه - مرقد سیدالشهدا (ع) را در سال ۳۷۰ زیارت کرده است،^{۲۰} در حالی که در فرحة الغری می خوانیم:

«كانت زیارة عضدالدولة للمشهد الشریفین الطاهرين الغروی و الحائری فی شهر جمادی الاولى فی سنة احدى و سبعین و ثلاثاً؛^{۲۱} زیارت عضدالدوله از بارگاه شریف و پاک امام علی (ع) و امام حسین (ع) در ماه جمادی الاولى سال ۳۷۱ بود». در تاریخ جغرافیائی کربلائی معلی نیز سال ۳۷۰ (ص ۱۶۶ و ۱۷۲) ضبط شده است. علامه حلی در رساله الدلائل البرهانیة (جلد ۲، ص ۸۶۹) سال ۳۷۱ را ضبط کرده است.

۱۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۹۷ (چاپ دوم، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ ق).

۱۶. شهر حسین، ص ۲۰۶.

۱۷. مقاتل الطالبیین، ص ۳۹۵.

۱۸. محمدحسن مصطفی آل کلیدر، مدینه الحسین، سلسله ۲، ص ۹۷ و ۹۸ (مطبعة شرکت سپهر، ایران، ۱۳۶۸ ق).

۱۹. ر. ک: دائرة المعارف الحسینیة، ج ۱، ص ۲۹۲ (تاریخ المراقد).

۲۰. سید عبدالحسین کلیددار آل طعمه، بغیة التیلاء، ص ۱۷ (تحقیق عادل کلیدر، مطبعة الارشاد، بغداد).

۲۱. سید بن طاووس، فرحة الغری، ص ۱۳۲ (منشورات رضی، قم).

سال اقدامات گوهرشاه خانم

گوهرشاه خانم - دختر سلطان حسین صفوی و همسر نادرشاه - اقداماتی در تعمیر و تزئین بارگاه مطهر انجام داد. سال آن را ۱۱۳۵ و ۱۱۳۸ و ۱۱۵۳ نوشته اند. او در این راه بیست هزار نادری صرف کرد. ۳۴ نادرشاه سال ۱۱۴۸ به حکومت رسید، بنابراین او در سال های ۱۱۳۵ و ۱۱۳۸ حکومت نمی کرد که گوهرشاه بتواند «نادری» صرف کند و نیز در کتاب تاریخ کربلاء و حائر الحسین آمده است که اقدامات عمرانی همسر نادرشاه پس از فتح هند بوده است. ۳۵ بنابر این سال ۱۱۵۳ درست است.

سازنده صندوق

بر قبر مطهر صندوقی ارزشمند بوده که در هجوم وهابی ها در سال ۱۲۱۶ آسیب دید. سازنده آن را شاه سلطان حسین ۳۶ و دخترش گوهرشاه خانم ۳۷ و شاه طهماسب دوم ۳۸ گفته اند.

۲۲. الکامل فی التاریخ، ج ۵، ص ۶۳۵؛ ابن جوزی، المنتظم، ج ۱۵، ص ۱۲۰؛ تحقیق محمد عبدالقادر عطا و ...، چاپ اول، دارالکتب العلمیه، بیروت، (۱۴۱۲ق)؛ البدایه والنهایه، ج ۱۲، ص ۶.
۲۳. تاریخ کربلاء و حائر الحسین، ص ۱۷۴ و ۲۱۵؛ شهر حسین، ص ۲۶۱.
۲۴. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۲۲۰؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۴۰۱.
۲۵. منتظم، ج ۱۷، ص ۳۰۴.
۲۶. رحلة ابن بطوطه، ص ۲۲۱ (دار بیروت، ۱۴۰۵ق).
۲۷. مدینه الحسین، سلسله ۱، ص ۳۰؛ شهر حسین، ص ۲۸۳.
۲۸. نزهة اهل الحرمین، ص ۲۳؛ دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۷۵؛ تاریخ جغرافیائی کربلای معلی، ص ۱۳۵ و ۱۶۲.
۲۹. مدینه الحسین، سلسله ۱، ص ۳۷.
۳۰. خواند میر، تاریخ حبیب السیر، ج ۴، ص ۴۹۴ (چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۳ش)؛ جهانگشای خاقان، ص ۲۹۲ (مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۴)؛ اسکندر بیگ، تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۱، ص ۵۸ (چاپ دوم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۰ش).
۳۱. بغیة النبلاء، ص ۷۶؛ تاریخ جغرافیائی کربلای معلی، ص ۱۵۰؛ دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۷۶؛ شهر حسین، ص ۴۰۰؛ تاریخ کربلاء و حائر الحسین، ص ۲۵۴؛ تاریخ مرقد الحسین و العباس، ص ۹۰.
۳۲. مدینه الحسین، سلسله ۱، ص ۳۸.
۳۳. شهر حسین، ص ۳۲۵ و ۳۲۶؛ محمد کلباسی حائری، تاریخچه کربلا، ص ۷۶ و ۷۷ (قم).
۳۴. شهر حسین، ص ۳۲۵؛ موسوعة العتبات المقدسه، ج ۸، ص ۲۰۱؛ بغیة النبلاء، ص ۷۶.
۳۵. تاریخ کربلاء و حائر الحسین، ص ۲۵۴.
۳۶. تاریخ جغرافیائی کربلای معلی، ص ۱۱۷؛ شهر حسین، ص ۴۶۸ و ۴۶۹.
۳۷. مدینه الحسین، سلسله ۱، ص ۳۸؛ دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۷۶؛ بغیة النبلاء، ص ۱۶۷؛ شهر حسین، ص ۳۲۵ و ۳۲۶.
۳۸. مدینه الحسین، سلسله ۲، ملحق مستدرکات سلسله ۱، ص ج.

سال آتش سوزی در حرم مطهر

بنا به منابع تاریخی معتمد، حرم مطهر در سال ۴۰۷ آتش گرفت. ۲۲ اما در کتاب تاریخ جغرافیائی کربلای معلی (ص ۱۷۴) سال ۴۰۸ ضبط شده است.

سال غارت حرم حسینی

سال غارت حرم حسینی به دست مسترشد بالله را ۵۲۶ نوشته اند. ۲۳ در منابع تاریخی به سال آن تصریح نشده است، اما قریبه ای در خبر است که سال ۵۲۹ از آن استفاده می شود. ابن شهر آشوب می نویسد: «أخذ المسترشد من مال الحائر و کربلاء و قال إن القبر لا یحتاج إلى الخزائنة و أنفق علی العسکر فلما خرج قتل هو و ابنه؛ ۲۴ مسترشد اموال حائر و کربلا را گرفت و گفت: قبر نیازی به خزانه ندارد. اموال را میان لشکریان تقسیم کرد و هنگام خروج، او و پسرش به قتل رسیدند». با توجه به این که مسترشد در سال ۵۲۹ کشته شد ۲۵ ظاهراً قضیه غارت اموال به این سال برمی گردد.

سال زیارت ابن بطوطه

ابن بطوطه در گزارش سفر خود به کربلا چگونگی بنا را بیان کرده است. ۲۶ سال ورود او به کربلا را ۷۲۶ و ۷۲۷ نوشته اند. هیچ یک از این دو تاریخ درست نیست و مراجعه به سفرنامه نشان می دهد که او در سال ۷۲۸ به کربلا رسید.

زیارت شاه اسماعیل

گفته شده که شاه اسماعیل در سال ۹۲۰ به زیارت سیدالشهدا (ع) رفت و دستور داد صندوقی برای قبر بسازند و برای مرقد دوازده قندیل از طلای خالص وقف کرد و رواق ها را با فرش های قیمتی مفروش ساخت. ۲۹ بنا به گواهی آثار قرن دهم، زیارت شاه اسماعیل و دستور تقدیم این هدایا در سال ۹۱۴ است. ۳۰ در تاریخ جغرافیائی کربلای معلی (صفحه ۱۱۲) نیز آمده است که در سال ۹۳۲ شاه اسماعیل دستور داد برای عتبات عالیات صندوقی بسازند. دستور مربوط به سال ۹۱۴ است و ممکن است در سال ۹۳۲ ساخت صندوق ها به پایان رسیده یا در این سال موفق به نصب شده باشند.

گذشت که در تاریخ کمک های گوهر شاه خانم به بارگاه سال ۱۱۵۳ را ترجیح دادیم و بر صندوق سال ۱۱۳۳ به عنوان تاریخ ساخت نوشته شده است.

بنابر این ساخت آن در زمان شاه سلطان حسین (پایان حکومت ۱۱۳۵) است، اما دلیلی نیافتیم که او دستور ساخت را داده باشد، هر چند معمولاً کارهای مهمی از این نوع به دست افراد توانمندی مانند شاهان و درباریان صورت می گرفته است.

سال ساخت صندوق

سال ساخت صندوق را ۳۹۱۱۳۳، ۴۰۱۱۳۵، ۴۱۱۱۳۸ و ۴۲۱۱۵۳ گفته اند. هردو تاریخ ۱۱۳۳ و ۱۱۳۸ در کتاب مدینه الحسین آمده و هردو جا ادعا شده که بر صندوق این تاریخ ها نوشته شده است. تاریخ درست ۱۱۳۳ است، زیرا این تاریخ بر صندوق نوشته شده و تصویر آن در کتاب بغیة النبلاء (ص ۱۶۸) چاپ شده است.

سال زیارت نادر شاه

مسلمانان نادر شاه از بارگاه منور زیارت کرد. در مورد تاریخ آن، سال های ۴۳۱۱۵۵ و ۴۴۱۱۵۶ گفته اند. سال ۱۱۵۶ ترجیح دارد، زیرا این تاریخ در کتاب دوحة الوزراء (تألیف رسول کرکوکلی - م ۱۲۴۰، ص ۵۱) آمده است.

سال طلاکاری آقامحمدخان قاجار

آقامحمدخان گنبد منور را طلاکاری کرد. سال آن را مختلف گفته اند: ۴۵۱۲۰۵، ۴۶۱۲۰۶، ۴۷۱۲۰۷، ۴۸۱۲۱۱.

برخی گفته اند: سال ۱۲۰۶ دستور طلاکاری را صادر کرد و در سال ۱۲۱۱ به پایان رسید. ۴۹ از میان تاریخ های فوق، سال ۱۲۰۵ ترجیح دارد، زیرا این تاریخ در کتاب تاریخ محمدی آمده که تألیف آن در سال ۱۲۱۱ پایان یافته است. در خور ذکر است که در این کتاب ماده تاریخ آن از قول سلیمان صباحی کاشانی چنین آمده است: «در گنبد حسین علی زیب جست زر» اما عددی که از این مصرع به دست می آید ۱۲۰۷ است. در برخی منابع ماده تاریخ به صورت «در گنبد حسین علی زیب یافت زر» نوشته شده ۵۰ که عدد ۱۲۳۵ استخراج می شود که مسلماً اشتباه است.

طلاکاری فتحعلی شاه

فتحعلی شاه را از افرادی دانسته اند که گنبد را طلا گرفت و سال آن را ۱۲۳۲ دانسته اند^{۵۱} و نیز گفته شده که در سال ۱۲۲۷

دستور داد پس از تجدید بنای گنبد، طلا را تعویض کنند. ۵۲ همچنین گفته اند: پس از آن که آقامحمدخان گنبد را تذهیب کرد، طلاهای او به مرور سیاه شدند؛ اهالی کربلا طی نامه ای به فتحعلی شاه، خواستار تجدید تذهیب شدند، شاه هم دستور تجدید طلاها را صادر کرد^{۵۳} و طلاهای پیشین را در گنبدهای کاظمین (ع) به کار بردند. ۵۴

به نظر می رسد تذهیب گنبد به فرمان فتحعلی شاه از اساس نادرست است، زیرا:

اولاً این امر به معنای سیاه شدن طلاهای آقامحمدخان پس از ۲۷ سال است، در حالی که طلا به این سرعت سیاه نمی شود و در ناسخ التواریخ طلاهای آقامحمدخان موصوف به «ناب»

۳۹. بغیة النبلاء، ص ۱۶۸؛ مدینه الحسین، سلسله ۲، ملحق مستدرکات سلسله ۱، صفحه ج؛ تاریخ جغرافیائی کریمای معلی، ص ۱۱۳؛ شهر حسین، ص ۴۶۸ و ۴۶۹.

۴۰. تاریخ کربلاء و حائر الحسین، ص ۲۵۴؛ تاریخ مرقد الحسین و العباس، ص ۹۰.

۴۱. مدینه الحسین، سلسله ۱، ص ۳۸.

۴۲. شهر حسین، ص ۳۲۵.

۴۳. تاریخ مرقد الحسین و العباس، ص ۹۰.

۴۴. ماضی التجف و حاضرها، ج ۱، ص ۲۲۲؛ شهر حسین، ص ۳۲۸.

۴۵. تاریخ محمدی (احسن التواریخ)، ص ۲۰۳-۲۰۶.

۴۶. ناسخ التواریخ، تاریخ قاجاریه، ج ۱، ص ۶۱؛ مدینه الحسین، سلسله ۱، ص ۳۹؛ شهر حسین، ص ۴۰۲.

۴۷. تاریخ کربلاء و حائر الحسین، ص ۲۵۵؛ تحفة العالم، ج ۱، ص ۳۰۸؛ بغیة النبلاء، ص ۷۶؛ دائرة المعارف نشیع، ج ۱، ص ۷۶؛ سلمان هادی طعمه، تراث کربلاء، ص ۴۵ (چاپ دوم، مؤسسه الاعلمی، بیروت، ۱۴۰۳ ق).

۴۸. تاریخ مرقد الحسین و العباس، ص ۹۰.

۴۹. مدینه الحسین، سلسله ۱، ص ۳۹.

۵۰. ناسخ التواریخ، تاریخ قاجاریه، ج ۱، ص ۶۱.

۵۱. شهر حسین، ص ۴۰۲؛ مدینه الحسین، سلسله ۱، ص ۳۹ و ۴۰.

۵۲. تاریخ مرقد الحسین و العباس، ص ۹۰. نویسنده در صفحه بعد می نویسد که این دستور مربوط به سال ۱۲۵۰ است.

۵۳. سید جعفر آل بحر العلوم، تحفة العالم، ج ۱، ص ۳۰۸ (مکتبه الصادق، تهران، ۱۴۰۱ ق)؛ تراث کربلاء، ص ۴۵.

۵۴. تحفة العالم، ج ۱، ص ۳۰۸؛ تاریخ کربلاء و حائر الحسین، ص ۲۵۵ و ۲۵۶؛ شهر حسین، ص ۴۰۲ و ۴۰۳.

۱۲۷۸ به پایان رسانده و در خاتمه آن نوشته است که اکنون شیخ عبدالحسین مشغول تعمیر بارگاه سیدالشهدا (ع) است.^{۶۶} از میان سه تاریخ نخست ظاهر آ سال ۱۲۷۰ درست است، زیرا از جمله اقدامات او طلاکاری قسمتی از گنبد سیدالشهدا (ع) یا تعمیر طلاکاری آن است.^{۶۷} و تاریخ آن در پایین گنبد سال ۱۲۷۳ است.^{۶۸} و نیز در ناسخ التواریخ در ثبت وقایع سال ۱۲۷۲ و ۱۲۷۳ آمده که پیش از این شیخ عبدالحسین جهت تعمیر و توسعه عتبات عالیات به کربلا رفته است.^{۶۹} یکی از ناقلان سال ۱۲۷۰ شیخ آقابزرگ تهرانی است و شیخ عبدالحسین استاد استاد او محدث نوری است و به خبر او بیشتر می توان اعتماد کرد.

منبع مالی شیخ عبدالحسین تهرانی

در کتاب های مربوط به تاریخ بارگاه امام حسین (ع) تأمین هزینه اقدامات گسترده شیخ عبدالحسین را تنها از سوی ناصرالدین شاه دانسته اند یا عباراتشان به گونه ای است که این امر از آن

۵۵. محمدتقی لسان الملک سپهر، ناسخ التواریخ (تاریخ قاجاریه) ج ۱، ص ۶۱ (به اهتمام جمشید کیانفر، چاپ اول، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷ ش).

۵۶. همان.

۵۷. شهریار جاده ها، ص ۱۲۱ (به کوشش محمدرضا عباسی و پرویز بدیعی، سازمان اسناد ملی، تهران، ۱۳۷۲ ش).

۵۸. سفرنامه ادیب الملک به عتبات، ص ۱۵۹ (تحقیق مسعود گلزاری، چاپ اول، انتشارات دادجو، تهران، ۱۳۶۴).

۵۹. مدینه الحسین، سلسله ۱، ص ۴۱.

۶۰. شیخ آقابزرگ تهرانی، الکرام البرره، ج ۲، ص ۷۱۴ (دار المرتضی، مشهد، ۱۴۰۴ ق)؛ تاریخ المشهد الکاظمی، ص ۱۰۴؛ محمدحسن آل یاسین، تاریخ حرم کاظمین (ترجمة تاریخ المشهد الکاظمی)، ص ۹۵. ترجمه غلامرضا اکبری، کنگره جهانی حضرت رضا (ع)، ۱۳۷۱.

۶۱. محمدعلی مدرس، ریحانة الادب، ج ۳، ص ۳۲۹ (چاپ سوم، خیام، تهران، ۱۳۶۹ ش)؛ تاریخ جغرافیائی کربلای معلی، ص ۱۳۷.

۶۲. تحفة العالم، ج ۱، ص ۲۰۸؛ محمد مهدی موسوی، احسن الودیعه، ج ۱، ص ۶۲ (چاپ دوم، نجف، ۱۳۸۸ ق)؛ تراث کربلاء، ص ۴۶؛ تاریخ کربلاء و حائر الحسین، ص ۲۵۷؛ شهر حسین، ص ۴۰۶؛ تاریخچه کربلا، ص ۸۵؛ تاریخ جغرافیائی کربلای معلی، ص ۱۳۱.

۶۳. سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۴۳۹ (تحقیق سید حسن امین، دارالتعارف، بیروت، ۱۴۰۶ ق).

۶۴. مدینه الحسین، سلسله ۱، ص ۴۱.

۶۵. شهر حسین، ص ۴۸۱.

۶۶. احسن الودیعه، ج ۱، ص ۶۰.

۶۷. احسن الودیعه، ج ۱، ص ۶۲؛ تحفة العالم، ج ۱، ص ۳۰۸.

۶۸. تراث کربلاء، ص ۴۶.

۶۹. ناسخ التواریخ (تاریخ قاجاریه) ج ۳، ص ۱۳۴۲.

شده اند؛^{۵۵} ثانیاً سپهر از نویسندگان دربار قاجار است و اگر از سوی فتحعلی شاه چنین اقدامی صورت می گرفت در ناسخ التواریخ ضبط می کرد، چنان که طلاکاری گنبد حضرت معصومه (س) را گزارش کرده است؛^{۵۶} ثالثاً به کار بردن طلای سیاه شده در بارگاه کاظمین (ع) نوعی توهین به آن دو امام بزرگوار است و اگر بگوییم خشت ها دوباره روکش شدند و طلای آنها نو شد، در این صورت لزومی نداشت آنها را به جای دیگر ببرند؛ رابعاً ناصرالدین شاه در سال ۱۲۸۷ به کربلا سفر کرد و در سفرنامه اش یادآور شده که طلای موجود در گنبد از اقدامات آقامحمدخان است،^{۵۷} اگر فتحعلی شاه تذهیب کرده بود وی خبر داشت و چنین نمی نوشت؛ خامساً ادیب الملک در سال ۱۲۷۲ به کربلا سفر کرد و در سفرنامه اش طلای موجود در گنبد را از آن آقامحمدخان ضبط کرده است.^{۵۸}

احتمالاً فتحعلی شاه طلای گنبد را تعمیر کرده یا قسمت اندکی از آن را که باقی مانده بود، تکمیل کرد.

تعمیر بارگاه با نظارت شهرستانی

گفته شده که با نظارت سید محمد مهدی شهرستانی در سال ۱۲۵۹ بارگاه مطهر تعمیر شد.^{۵۹} درست است که شهرستانی تعمیرات درخور توجهی در بارگاه انجام داد، اما وی در سال ۱۲۱۶ از دنیا رفت؛ پس در تاریخ مذکور اشتباهی رخ داده است.

سال مهاجرت شیخ عبدالحسین تهرانی

سال مهاجرت شیخ عبدالحسین تهرانی ملقب به شیخ العراقین از تهران و سکونت در کربلا جهت تعمیر و آبادانی عتبات عالیات را مختلف ضبط کرده اند: ۱۲۷۰، ۱۲۷۴، ۱۲۷۶، ۱۲۸۰ و ۱۲۸۳.^{۶۴}

دو تاریخ اخیر مسلماً اشتباه است، زیرا شیخ عبدالحسین اقدامات گسترده ای از جمله طلاکاری گنبد عسکریین را انجام داد. با توجه به درگذشت او در سال ۱۲۸۶ عادتاً نمی تواند این امور در حدود شش سال انجام شده باشد. ظاهراً سال ۱۲۸۳ تاریخ توسعه صحن از طرف غرب و بنای ایوان بزرگ طرف قبله است.^{۶۵} که با ورود او به کربلا اشتباه شده. از سوی دیگر سید شفیع جابلقی (م ۱۲۸۰) تدوین کتاب الروضة البهیة را سال

استفاده می شود،^{۷۰} در حالی که شیخ آقابزرگ تهرانی یادآور شده است که شیخ عبدالحسین وصی امیر کبیر بود و ثلث ترکه او در اختیار شیخ عبدالحسین قرار داشت. شیخ عبدالحسین در برابر ناصرالدین شاه ایستادگی می کرد و تخلفاتش را گوشزد می کرد. ناصرالدین شاه برای خلاص شدن از دست او به وی پیشنهاد کرد که این اموال را در راه گسترش عتبات هزینه کند و بودجه اصلی او ثلث ترکه امیر کبیر بود،^{۷۱} هر چند شاه نیز کمک های مالی ای در این راه کرد و مقدار آن را پانزده هزار^{۷۲} و بیست هزار تومان زر مسکوک^{۷۳} نوشته اند.

تجدید بنای حجره های صحن

سیف الدوله در سال ۱۲۸۰ به کربلا سفر کرد و در سفرنامه خود می نویسد: «شیخ عبدالحسین تهرانی از جانب ناصرالدین شاه مأمور شد... حجرات صحن مطهر را دوباره ساختند، داخل حرم را تعمیر کردند».^{۷۴} اما ناصرالدین شاه که در سال ۱۲۸۷ به کربلا سفر کرد، سخن از تعمیر حجره ها می کند نه تجدید بنا، وی می نویسد: «... بعد رفتن دور حجرات صحن را گشتم؛ شیخ عبدالحسین مرحوم با پول ما تعمیر کرده است».^{۷۵}

تجدید گنبد به دستور ناصرالدین شاه

برخی منابع تجدید بنای گنبد را به ناصرالدین شاه نسبت داده اند^{۷۶} و سال آن را ۱۲۷۳ ذکر کرده اند.^{۷۷} ناصرالدین شاه سال ۱۲۸۷ به کربلا رفت و در سفرنامه اش نوشته است که بنای گنبد از آثار آقامحمدخان قاجار است.^{۷۸} اگر وی گنبد را از نو بنا کرده بود چنین نمی نوشت.

طلاکاری گنبد توسط ناصرالدین شاه

برخی به ناصرالدین شاه نسبت داده اند که گنبد را از نو طلاکاری کرد^{۷۹} و سال آن را ۱۲۷۶ نوشته اند.^{۸۰} چنین نقلی اشتباه به نظر می رسد، زیرا:

اولاً محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در سال ۱۳۰۶ به مناسبت چهلمین سال پادشاهی ناصرالدین شاه کتاب المآثر و الآثار را نوشت و در باب هفتم اقدامات عمرانی شاه را نگاشت. در این باب از طلاکاری ایوان بارگاه امام رضا (ع) و ایوان های کاظمین (ع) سخن رفته است، اما اشاره ای به طلاکاری گنبد سیدالشهدا (ع) به دستور شاه نشده است؛^{۸۱} ثانیاً ناصرالدین شاه در سال ۱۲۸۷ به کربلا سفر کرد و در سفرنامه اش نگاشته است که طلای موجود در گنبد از آثار آقامحمدخان قاجار است.^{۸۲} ظاهراً نقل درست آن است که وی تنها بخشی از گنبد را طلا گرفت.^{۸۳}

سال درگذشت شیخ عبدالحسین

در کتاب تاریخ جغرافیائی کربلای معلی (صفحه های ۱۳۱ و ۱۴۹) سال فوت شیخ عبدالحسین تهرانی ۱۲۸۲ نوشته شده که مسلماً اشتباه است و بر اساس نقل های متعدد به سال ۱۲۸۶ درگذشت.^{۸۴} او در سال ۱۲۸۳ صحن مطهر را گسترش داد.^{۸۵}

سال زیارت ناصرالدین شاه

در کتاب تاریخ کربلاء و حائر الحسین (ص ۲۵۸) سال زیارت ناصرالدین شاه ۱۲۸۸ نوشته شده، در حالی که این تاریخ مسلماً اشتباه است و خود او در سفرنامه اش سال سفر را ۱۲۸۷ ضبط کرده است.^{۸۶} تاریخ فوق در تاریخ کربلاء و حائر الحسین اشتباه

۷۰. مدینه الحسین، سلسله ۱، ص ۴۱؛ ناسخ التواریخ (تاریخ قاجاریه) ج ۳، ص ۱۳۴۲؛ احسن الودیع، ج ۱، ص ۶۰؛ المآثر والآثار، ص ۵۴؛ ریحانة الادب، ج ۳، ص ۳۲۹؛ تحفة العالم، ج ۲، ص ۳۰۸؛ تاریخ کربلاء و حائر الحسین، ص ۲۵۷؛ شهر حسین، ص ۴۰۶؛ تاریخچه کربلا، ص ۸۵ و ۸۶.

۷۱. الکرام البرره، ج ۲، ص ۷۱۳ و ۷۱۴.

۷۲. ناسخ التواریخ (تاریخ قاجاریه)، ج ۳، ص ۱۵۱۴.

۷۳. همان، ص ۱۳۴۲.

۷۴. سیف الدوله سلطان محمد، سفرنامه سیف الدوله، ص ۳۲ (تحقیق علی اکبر خدایپرست، چاپ اول، نشر نی، ۱۳۶۴ ش).

۷۵. شهریار جاده ها، ص ۱۱۶.

۷۶. سفرنامه سیف الدوله، ص ۲۳۲.

۷۷. ثرات کربلاء، ص ۴۶ و ۵۸؛ تاریخ مرقد الحسین والعباس، ص ۹۱.

۷۸. شهریار جاده ها، ص ۱۲۱.

۷۹. ریحانة الادب، ج ۳، ص ۳۲۹؛ احسن الودیع، ج ۱، ص ۶۲؛ تحفة

العالم، ج ۲، ص ۳۰۸؛ دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۷۶؛ تاریخ کربلاء و حائر الحسین، ص ۲۵۷؛ تاریخ جغرافیائی کربلای معلی، ص ۱۳۱.

۸۰. شهر حسین، ص ۴۰۶.

۸۱. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، المآثر والآثار، ص ۵۴ (چاپ سنگی، کتابخانه سنگی).

۸۲. شهریار جاده ها، ص ۱۲۱.

۸۳. ثرات کربلاء، ص ۴۶؛ تاریخ مرقد الحسین والعباس، ص ۹۱.

۸۴. الکرام البرره، ج ۲، ص ۷۱۴؛ اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۴۳۸.

۸۵. تاریخ کربلاء و حائر الحسین، ص ۲۵۸؛ شهر حسین، ص ۴۸۱؛ تاریخ مرقد الحسین والعباس، ص ۹۱؛ مدینه الحسین، سلسله ۱، ص ۴۱-۴۲.

۸۶. شهریار جاده ها (سفرنامه ناصرالدین شاه به عتبات عالیات).

«طلای مناره‌ها که از نصف به بالاست از زن خاقان مرحوم
(فتحعلی شاه) از دختر مصطفی خان عمو [است]». ۹۱

پیش از ناصرالدین شاه، ادیب‌الملک و سیف‌الدوله به ترتیب
در سال‌های ۱۲۷۳ و ۱۲۸۰ به کربلا رفتند و در سفرنامه‌های خود
از طلا بودن مناره‌ها خبر داده‌اند. ۹۲

بعید نیست عبدالجبار تنها نیمه پایین مناره غربی را تذهیب
کرده و نیمه پایین مناره شرقی را شخص هندی تذهیب کرده باشد.

سال تخریب مناره‌العبد

مناره‌العبد از آثار باستانی باشکوه بود که تاریخ بنای آن را سال
۷۶۷ نوشته‌اند. ۹۳ در قرن چهاردهم به دستور وزیر اوقاف
عراق تخریب شد و علت واقعی آن به درستی معلوم نیست. در
کتاب تاریخ العراق بین الاحتلالین (ج ۴، ص ۱۱۶) سال
تخریب آن ۱۳۵۶ ضبط شده که اشتباه است. در این سال،
سلطان طاهر سیف‌الدین هندی مناره غربی بارگاه را که مایل
شده بود تخریب کرد و از نو بنا کرد. ۹۴ در تراث کربلاء
(ص ۵۶) سال ۱۳۵۷ ضبط شده که این نیز اشتباه است. تاریخ
تخریب مناره‌العبد سال ۱۳۵۴ است و ماده تاریخ‌های متعدد
برای آن گفته‌اند. ۹۵

تجدید گنبد در سال ۱۳۷۱

در کتاب تاریخ مرقد الحسین و العباس (صفحه ۹۱) آمده است
که در سال ۱۳۷۱ گنبد تجدید بنا شد. اگر چنین اتفاق مهمی
افتاده بود در کتاب‌های متعدد دیگر که نویسندگان آنها در آن
عصر می‌زیسته‌اند درج می‌شد، حال آن‌که چنین نیست.



۸۷. هارون و هومن، عراق از دیدگاه سیاحان و جهانگردان، ج ۲، ص
۱۵۷۳ (چاپ اول، انتشارات گوهر منظوم، تهران، ۱۳۸۳ ش).

۸۸. همان، ص ۱۵۷۵.

۸۹. مدینه‌الحسین، سلسله ۱، ص ۴۳؛ بغیة النبلاء، ص ۱۶۶.

۹۰. تاریخ کربلاء و حائر الحسین، ص ۲۶۰؛ شهر حسین، ص ۴۷۱.

۹۱. شهریار جاده‌ها، ص ۱۲۱.

۹۲. سفرنامه ادیب‌الملک به عتبات، ص ۱۵۹؛ سفرنامه سیف‌الدوله، ص ۲۳۱.

۹۳. تاریخ کربلاء و حائر الحسین، ص ۲۳۳؛ مدینه‌الحسین، سلسله ۱،
ص ۳۴.

۹۴. تاریخ کربلاء و حائر الحسین، ص ۲۵۹؛ تاریخ مرقد الحسین و العباس،
ص ۱۸۱ و ۱۸۲.

۹۵. تاریخ کربلاء و حائر الحسین، ص ۲۳۰-۲۳۳ و ۱۶۸؛ تاریخ مرقد الحسین
و العباس، ص ۱۸۱ و ۱۸۲؛ شهر حسین، ص ۴۶۰-۴۶۳.

چاپی نیست، زیرا در آن آمده است که شیخ عبدالحسین تهرانی
در سال ۱۲۸۶ دو سال قبل از سفر ناصرالدین شاه در گذشت.

نویسنده کتاب شهر حسین (ص ۴۰۸) با استناد به کتاب
تاریخ کربلاء و حائر الحسین سفر ناصرالدین شاه را در سال
۱۲۸۸ دانسته است.

تاریخ این سفر در کتاب عراق از دیدگاه سیاحان و
جهانگردان (جلد ۲، صفحه ۱۵۷۱ و در جلد ۳، صفحه
۲۲۴۱) نیز به اشتباه سال ۱۲۷۸ ضبط شده است. این تاریخ
نیز اشتباه چاپی نیست، زیرا در این کتاب، سفرنامه‌ها به
ترتیب سال است و در هر دو جا سفرنامه ناصرالدین شاه پیش
از سفرنامه سیف‌الدوله است که مربوط به سال ۱۲۸۰
می‌باشد. شاهد اشتباه بودن این تاریخ این است که ناصرالدین
شاه در سفرنامه‌اش از محل دفن شیخ عبدالحسین تهرانی ۸۷ و
ملاآقای دربندی ۸۸ سخن می‌گوید در حالی که آن دو در سال
۱۲۸۶ از دنیا رفته‌اند.

طلاکاری گنبد در سال ۱۲۹۹

در کتاب تاریخ جغرافیائی کربلای معلی (ص ۱۳۰) و شهر
حسین (ص ۲۴۶) آمده است که سال ۱۲۹۹ طلاهای گنبد زنگ
زد و به دستور فتحعلی شاه طلاهای گنبد تعویض شد. اولاً
گذشت که فتحعلی شاه طلاهای گنبد را تعویض نکرد، ثانیاً او
سال ۱۲۵۰ در گذشت. ظاهراً این اشتباه از تاریخ جغرافیائی
کربلای معلی به شهر حسین راه یافته است.

طلاکاری مناره‌ها

گفته شده تاجری به نام عبدالجبار در سال ۱۳۰۹ به کربلا رفت و
نصف بالایی مناره شرقی و همه مناره غربی را طلا گرفت.
سیس شخصی هندی و جوهی را پرداخت تا نیمه باقی مانده از
مناره شرقی طلاکاری شود. ۸۹ همچنین گفته شده سید طاهر
سیف‌الدین هندی در سال ۱۳۶۰ دو مناره را از سطح بام تا بالا
طلاکاری کرد. ۹۰

ظاهر عبارات فوق این است که مناره‌ها تا سال ۱۳۰۹ یا
۱۳۶۰ تذهیب نشده بود، در حالی که ناصرالدین شاه سال
۱۲۸۷ به کربلا رفت و در سفرنامه‌اش چنین نوشته است: